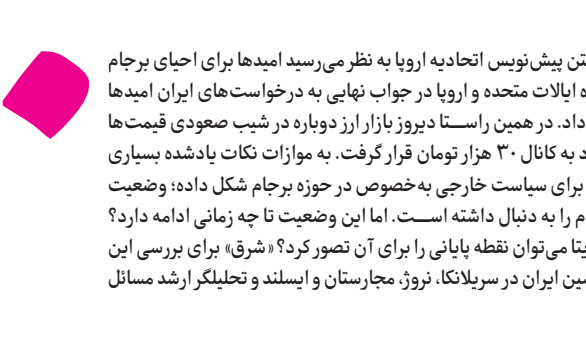


«شرق» در گفت‌وگو با عبدالرضا فرجی‌راد بررسی کرد

پایان داستان یا دور باطل؟

برجام تنها دشمن واقعی پیمان ابراهیم است



شرق: با اقدام دوشنبه هفته گذشته دولت رئیسی در ارسال پاسخ مکتوب به متن پیش‌نویس اتحادیه اروپا به نظر می‌رسید امیدها برای احیای برجام و حصول توافق پررنگ‌تر از گذشته شده باشند؛ اما سکوت و تأخیر هشت‌روزه ایالات متحده و اروپا در جواب نهایی به درخواست‌های ایران امیدها را کمرنگ کرده است. همین وضعیت تغییراتی را در بازارهای داخلی شکل داد. در همین راستا دیروز بازار ارز دوباره در شیب صعودی قیمت‌ها قرار گرفت و دلار در یک رشد کم‌سابقه از کانال ۲۸ هزار تومان در آستانه ورود به کانال ۳۰ هزار تومان قرار گرفت. به موازات نکات یادشده بسیاری معتقدند تداوم شرایط کنونی گم‌گان یک وضعیت پیچیده، مبهم و سردرگم را برای سیاست خارجی به‌خصوص در حوزه برجام شکل داده؛ وضعیت مبهم و پیچیده‌ای که کلافگی بسیاری از سیاستون، اقتصاددانان و حتی مردم را به دنبال داشته است. اما این وضعیت تا چه زمانی ادامه دارد؟ باید تا کی شاهد ادامه این وضعیت مبهم، پیچیده و سردرگم باشیم؟ آیا نهایتاً می‌توان نقطه پایانی را برای آن تصور کرد؟ «شرق» برای بررسی این مسئله، گفت‌وگویی را با عبدالرضا فرجی‌راد داشته است تا ارزیابی سفیر پیشین ایران در سریلانکا، نرۆز، مجارستان و ایسلند و تحلیلگر ارشد مسائل ژئوپلیتیک را در این زمینه داشته باشیم.

◆ **باز هم در تقابل با نگاه خوشبینانه درخصوص حصول توافق برجام و نگاه بدبینانه برای احیانشدن برجام به نظر می‌رسد با وجود ارسال پاسخ مکتوب ایران در دوشنبه هفته گذشته نژاد اکبرین از سرگیری توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ مطلوب نیست.**
فارغ از این مسئله اکنون سیاستون، اقتصاددانان و مهم‌تر از همه افکار عمومی، رسانه‌ها و مردم در یک سردرگمی و نوعی کلافگی از این وضعیت کشدارشدن مذاکرات قرار دارند. واقعا این وضعیت تا کجا ادامه دارد؟

در راستای آنچه گفتید، پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مذاکرات ما با شش قدرت جهانی به یک مسئله اصطلاحاً کشدار تبدیل شده است؛ جدا از اینکه کدام طرف در کشدارکردن این مسئله مقصر بوده است. اما نباید فراموش کرد در پرونده‌ای در این ابعاد یعنی پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آن‌هم با توجه به حضور شش قدرت جهانی و در کنار آن دخالت شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و… را که هرکدام دارای منافع خاص خود از برجام هستند، نمی‌توان در بازه زمانی کوتاه به حصول توافق و احیای برجام امید داشت؛ کم‌اینکه خود برجام هم نتیجه سال‌ها مذاکراتی بود که از دوران آقای خاتمی شروع شد، در دوران احمدی‌نژاد ادامه پیدا کرد و به دولت حسن روحانی رسید. اکنون شرایط بعد از اقداماتی که دونالد ترامپ برای خروج از برجام انجام داد، وضعیتش را به وجود آورده است که نمی‌توان در کوتاه‌مدت و با مذاکرات سریع به نتیجه رسید. پس یقیناً این شرایط نوعی فضای مبهم، کشدارشدن مسئله و حتی کلافگی را برای همه طرفین ایجاد می‌کند؛ بنابراین این مسئله تنها مختص به جامعه سیاسی، اقتصادی، مردم، رسانه‌ها و افکار عمومی نیست و حتی دیپلماسی ما هم‌اکنون در‌خصوص کشدارشدن این مسئله به نوعی کلافگی مواجه است. راجع به قسمت دوم سؤال شما یعنی نگاه بدبینانه‌تان به احیای برجام و نگاه خوشبینانه‌ام باید بگویم که من در مصاحبه‌هایی که مشخصاً در سه سال گذشته با شما انجام داده‌ام، همواره به احیای برجام خوش‌بین بوده و گم‌گان هستم. من جزء آن دسته از کارشناسانی بودم که همواره اعتقاد داشتم برجام در نهایت احیا می‌شود. البته به‌جز یک برهه حساس که این خوش‌بینی من قدری کم‌رنگ شده بود.

◆ **چه برهه‌ای؟**
برهه روزسما و هفته‌های آغاز جنگ اوکراین که به تفصیل با شما در‌خصوص آن گفت‌وگو داشتیم و بیان کرده بودم که در راستای آنچه آقای لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، بعد از وقوع جنگ اوکراین مطرح کرده است و پیش‌شرط‌هایی را برای احیای برجام مطرح کرد، این ارزیابی برای من شکل گرفت که مبادا برجام گروگان روسیه و جنگ اوکراین بشود.

◆ **آیا واقعا برجام گروگان روسیه و جنگ اوکراین نشد؟**

تا حدودی بله. بعد از آغاز جنگ اوکراین روس‌ها سعی کردند این اطمینان حاصل را پیدا کنند که احیای برجام در تقابل با منافع آنها قرار ندارد؛ اما در نهایت روسیه هم‌اکنون به این باور رسیده است که اگر برجام احیا شود، می‌تواند مسیر و فضای لازم را برای بهبود وضعیت خود در جامعه جهانی هم به دنبال داشته باشد. به هر حال روسیه در تحریم بی‌سابقه‌ای قرار دارد و با انزوا دیپلماتیک و یک حصر ژئوپلیتیک روبه‌رو است. پس اگر برجام احیا نشود و ایران هم با تحریم‌های بیشتری مواجه شود، وضعیت به مراتب بدتر خواهد شد؛ اما اگر تهران بتواند با اجرای برجام تحریم‌ها را کنار بگذارد، می‌تواند یک روزنه و فضای تنفسی را هم برای مسکو ایجاد کند.

◆ **تماس تلفنی دوشنبه سران ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلستان و آلمان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا بایدن با مکرون، بوریس جانسون و اولاف شولتس به دنبال ایجاد یک جبهه در برابر ایران هستند و برجام را احیا نمی‌کنند یا باید این تماس را چکش‌کاری نهایی برای حصول توافق در نظر گرفت؟**

من تصور نمی‌کنم جامعه جهانی به دنبال جبهه‌بندی در برابر ایران باشد و این تماس هم در این راستا نبوده است.

◆ **جزا این باور را دارید؟**

چون همان‌گونه که بارها گفته‌ام، هم جمهوری اسلامی ایران، هم آمریکا، هم کشورهای اروپایی و هم در کل جامعه جهانی به احیای برجام نیاز دارند. هیچ‌کدام از طرفین جایگزینی برای مذاکرات نداشته و ندارند؛ بنابراین به نظر من این تماس نتیجه رایزنی‌ها و چکش‌کاری بوده که روی پاسخ مکتوب ایران انجام شده است. به هر حال پاسخ مکتوب دوشنبه هفته گذشته ایران تأیید کامل پیش‌نویس اروپایی‌ها نبوده، بلکه در مواردی آن را تغییر داده است. پس قطعاً هم طرف اروپایی و به‌خصوص آمریکایی‌ها آن را نمی‌پذیرند و درخصوص آن رایزنی خواهند کرد؛ بنابراین احتمال بسیار زیادی وجود دارد که مذاکرات در وین برای رایزنی در این زمینه انجام شود. در ضمن نباید فراموش کرد که اکنون یک پاییز و زمستان سرد پیش‌روی اروپایی‌هاست؛ بنابراین قاره سبز به احیای برجام نیاز دارد. از طرف دیگر بایدن هم بی‌میل نیست که با احیای برجام به حزب دموکرات در انتخابات پیش‌رو در کنگره کمک کند؛ بنابراین اروپا و آمریکا هم مانند ایران نیم‌نگاهی به احیای توافق دارند. از همه مهم‌تر خود جمهوری اسلامی است که واقعا به دلیل شرایط اقتصادی و معیشتی فعلی به احیای برجام و لغو تحریم‌های بیش از گذشته نیاز دارد. در نتیجه پیرو آنچه گفتیم، به نظر من اکنون ایران، ایالات متحده و اروپایی‌ها به یک

نقطه بسیار دلگرم‌کننده برای احیای برجام رسیده‌اند؛ تا جایی که من معتقدم تقریباً در پایان کار قرار داریم.

◆ **بایان کار با دور باطل؟**
چون حتی اگر نگاه خوشبینانه شما را هم بپذیریم و نهایتاً به قول شما به حصول توافق و احیای برجام امیدوار باشیم، بسیاری معتقدند برجام دولت رئیسی به‌مراتب شکننده‌تر از دولت روحانی است؛ بنابراین این توافق احتمالی پیش‌رو در بهترین حالت تا پایان دولت بایدن می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و بعد از آن با خروج مجدد ایالات متحده دوباره شاهد یک وضعیت تکراری در حوزه پرونده فعالیت‌های هسته‌ای خواهیم بود. در نتیجه پرونده فعالیت‌های هسته‌ای و مذاکرات حالت کشدار و نرومایی خود را حفظ خواهد کرد. پس گم‌گان جامعه باید درباره آن با یک وضعیت سردرگم و کلافه دست‌به‌گریبان باشد. آیا شما منکر آن هستید؟

به نظر من آنچه دونالد ترامپ برای برجام رقم زد، یک اتفاق بود؛ اقدامی بود که حتی خود ترامپ هم به اشتباه‌بودن آن اذعان داشت و بعد از آن سعی کرد به مذاکراتی کمتر از مذاکرات برجام تن بدهد که نهایتاً چنین نشد. متأسفانه دونالد ترامپ به‌جای آنکه به حرف‌های وزیر امور خارجه اول خود یعنی رکس تیلرسون گوش بدهد، به بنیامین نتانیاهو، جان بوتلوت و مایک پومپئو گوش داد و نهایتاً از برجام خارج شد؛ بنابراین اگر برجام احیا شود به نظر من هر رئیس‌جمهوری در سال ۲۰۲۴ در آمریکا روی کار بیاید، حتی اگر رئیس‌جمهوری تندتر از دونالد ترامپ در کاخ سفید مستقر شود، دیگر از برجام خارج نمی‌شود.

◆ **به چه دلیل این تلقی را دارید؟**

چون وضعیت بعد از جنگ اوکراین فرق کرده است. اکنون آمریکا با روسیه سرخاش شده است، در قبال مسئله تایوان هم با چین درگیری شدیدی دارد، اگر بخواهد با خروج مجدد از برجام مناقشه هسته‌ای با ایران را هم کلید بزند که دیگر امکان کنترل شرایط برای واشنگتن وجود ندارد. در ضمن نباید فراموش کرد که مسئله اساسی فعلی برای آمریکایی‌ها کاهش هزینه‌هاست. اکنون ایالات متحده به این باور رسیده است که می‌تواند با احیای برجام، ایران را به نقطه قابل مدیریت با کمترین هزینه برساند. از همه اینها مهم‌تر آن است که اگر برجام احیا شود و دوباره آمریکایی‌ها از آن خارج شوند، دیگر با جامعه جهانی روبه‌رو خواهند بود؛ چون نمی‌توان تقصیر شرایط آتی در صورت خروج مجدد آمریکا از برجام را گردن ایران انداخت و اینجاست که آمریکا باید پاسخ‌گوی رفتارهای خود باشد.

◆ **اجازه دهید تحلیل شما را بپذیرم و ارجاع‌دادن مسئله به اقدامات دونالد ترامپ را بخشی از یک سناریو و تقابل کلی‌تر بدانم؛ چراکه بی‌شک تنش تهران – واشنگتن یک تنش راهبردی و ژئوپولوتیک است که مسائل حقوق‌بشری تا توان دفاعی، نفوذ منطقه‌ای و… را شامل می‌شود و پرونده فعالیت‌های هسته‌ای و برجام هم فقط بخشی از این تقابل است.**
پس نمی‌توان مسئله را صرفاً به اقدامات دونالد ترامپ تقلیل داد. غیر از این است؟

نکاتی که شما به آنها اشاره کردید، قطعاً وجود دارد و منکر آنها نیستیم. اما همان‌گونه که گفتیم و دوباره تأکید می‌کنم، بعد از وقوع جنگ اوکراین و تنش تایوان شرایط برای آمریکا تغییر پیدا کرده است و اکنون واشنگتن دیگر به دنبال تقابل همه‌جانبه با تهران در همه زمینه‌ها نیست، بلکه سعی دارد شرایطی را شکل دهد که بتواند ایران را با کمترین هزینه مدیریت و کنترل کند. اگر به مذاکرات احیای برجام در وین بازگردیم، هم در دوره دونالد ترامپ و هم در مذاکرات ابتدایی دولت بایدن با دولت روحانی، مسائلی مانند توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای هم به‌عنوان پیش‌شرط آمریکایی‌ها برای پذیرش توافق و احیای برجام مطرح بود؛ اما اکنون تمام رسانه‌های داخلی و خارجی و تمام دیپلمات‌ها و کارشناسان به این مسئله اذعان دارند چیزی به نام مسائل منطقه‌ای و موشکی در مذاکرات وین و متن توافق فعلی وجود ندارد. یعنی آمریکایی‌ها بپذیرفته‌اند که در این خصوص دیگر با ایران گفت‌وگویی نکنند و مسئله برجام را در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای به نتیجه برسانند.

◆ **این نکته شما به آن معنا نیست که آمریکا در‌خصوص نفوذ منطقه‌ای و توان موشکی ایران افعال کامل دارد؟**

من چنین تصویری ندارم و گفته من هم لزوماً به این معنی نیست.

◆ **پس به چه معناست؟**

ایین امکان وجود دارد که مذاکرات چندانگانه‌ای شکل بگیرد. البته این مذاکرات احتمالی هم به‌معنای آن نیست که ایران توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای خود را کنار خواهد گذاشت، همان‌گونه که نباید و نمی‌توان انتظار داشت که آمریکایی‌ها هم از منطقه خاورمیانه خارج شوند. اگر مذاکراتی در آینده درباره این مسائل (موشکی و منطقه‌ای) بین ایران و آمریکا شکل بگیرد، به معنای کاهش سوت‌تفاهم‌ها و اختلافات است. همان‌گونه که گفتیم برای ایالات وین و متن توافق فعلی آن است که ایران را با کمترین هزینه مدیریت و کنترل کند.

◆ **به مسئله مناسبات منطقه اشاره شدید؛ امارات متحده عربی اکنون روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران به سطح سفیر ارتقا داد و سیف محمد الذابی را به‌عنوان سفیر خود به تهران فرستاد.**
اما بسیاری معتقدند این رفتار ابوظبلی می‌تواند دو سناریوی کاملاً متناقض و متضاد را به دنبال داشته باشد. در این راستا برخی با طرح

سناریویی خوش‌بینانه معتقدند واقعا امارات متحده عربی خواستار ارتقای روابط با جمهوری اسلامی ایران است و در مقابل ذیل سناریویی بدبینانه این گزاره تحلیلی وجود دارد که امارات به‌عنوان بخش اصلی پیمان ابراهیم که روابط خود با اسرائیل را گسترش داده و پای نل اوپورا تا پشت مرزهای آبی ایران در خلیج فارس و دریای عمان کشانده، به دنبال یک توازن‌بخشی بین ایران و اسرائیل است که قربانی تنش این دو نشود. ارزیابی شما کدام‌یک از این دو سناریو را نزدیک به واقعیت می‌داند؟ به نظر من امارات متحده عربی یک استراتژی کاملاً دقیق، هوشمندانه و عقلانی را را برای خود تدوین و تعریف کرده است.

◆ **چه استراتژی‌ای؟**

امارات استراتژی‌ای در راستای پیشرفت و گسترش نفوذ خود تعریف و تدوین کرده است. در این استراتژی امارات متحده عربی سعی دارد به یک قدرت اقتصادی، تکنولوژیک و تجاری در منطقه خاورمیانه بدل شود؛ چیزی مانند سنگاپور. به نظر من امارات دوسوم راه و چیزی حدود ۸۰ درصد مسیر را هم رفته است. اماراتی‌ها در فصل‌هایی که برای رسیدن به این نقطه تدوین و تعریف کرده‌اند، سعی دارند با همه همسایگان منطقه‌ای خود یک روابط درست، پایدار و متوازن را پیش ببرند. بنابراین از یک طرف با پیمان ابراهیم سعی کرده‌اند روابط خود را با اسرائیل تعریف کنند و از طرف دیگر با بازگرداندن سفیر به جمهوری اسلامی در تلاش‌اند متأسبشان را با یکی از قوی‌ترین قدرت‌های منطقه یعنی ایران هم از سر بگیرند. چون اگر اماراتی‌ها بخواهند به‌صورت یک جانبه روابط خود را با اسرائیل پیش ببرند و گامکان در نوعی سردی روابط با ایران قرار بگیرند، نمی‌توانند به نقطه‌ای که برای خود در سایه آن استراتژی تعریف کرده‌اند، دست یابند. چون تعداد تنش با ایران به معنای تحت‌الشعاع قرارگرفتن مسائل اقتصادی، تجاری و حتی امنیتی امارات است. به‌رحال مسئله جنگ یمن هم تا حد بسیار زیادی به ایران ارتباط دارد. از طرف دیگر باید به این نکته مهم اشاره کنم که به‌رحال جمهوری اسلامی ایران هم با ارتقای روابط با امارات متحده عربی در سطح سفارت به یک فرصت طلایی دست پیدا می‌کند که می‌تواند در برابر پیمان ابراهیم بایستد. چون برجام تقابلی پیمان ابراهیم قرار دارد. بنابراین اگر ما بتوانیم با احیای برجام قدرت منطقه‌ای خود را بیشتر افزایش دهیم – به همان میزان پیمان ابراهیم ضعیف می‌شود، درصورتی‌که هرچه تنش بر سر پیمان ابراهیم پررنگ‌تر شود، قطعاً اسرائیل فضایساز و سواستفاده خود را در مقابل ایران خواهد داشت. درحالی‌که بعد از سفر جو بایدن اکنون هم عربستان سعودی و هم عمانی‌ها دیگر مانند گذشته سطح روابط را با اسرائیل تقویت نکرده‌اند. بنابراین اگر روابط ما در سطح سفارت با اماراتی‌ها به‌معنای واقعی کلمه تقویت شود و از طرف دیگر برجام احیا شود، قطعاً پیمان ابراهیم ضعیف و ضعیف‌تر خواهد شد. برجام تنها دشمن واقعی پیمان ابراهیم است.

◆ **شما جز آن دسته از کارشناسان و دیپلمات‌هایی هستید که از اظهار نظر و تحلیل پیرامون مسائل سیاسی داخلی خنر دارید.**
اما بعد از اقدام دوشنبه هفته گذشته دولت رئیسی در ارسال پاسخ مکتوب به طرف اروپایی که شائبه حصول توافق و احیای برجام را تقویت کرد شاهد یک جریان سیاسی – رسانه‌ای ذیل هجمه، توهین و تخریب علیه دولت سیزدهم بودیم که گم‌گان ادامه دارد. اولاً جریان مخالف برجام در داخل کشور همسو با جریان مشابه در آمریکا و اسرائیل تا کجا می‌تواند مانع احیای برجام شود؟

در کشور همواره یک جریانی پای ثابت مخالفت با برجام بوده و هستند. حتی قبیل از برجام در دوران آقای خاتمی و احمدی‌نژاد هم نسبت به مذاکرات با طرف اروپایی و آمریکایی بدبین بودند. پس از آن در زمان دولت روحانی و احیای برجام همین جریان به شکل قوی‌تر ظاهر شد. به هر حال این جریان، چه جریان دلواپس، کاسب تحریم یا هر اسم دیگری به دلایل اقتصادی و تجاری ناشی از منافعیشان به واسطه تداوم و تشدید تحریم‌ها و با مسائل حزبی، جریانی، گروهی و دسته‌ای به هیچ وجه احیای برجام را در راستای منافع خود نمی‌دانند. در ضمن متأسفانه این جریان صرفاً با ظاهر‌ساز و به نام منافع ملی هیچ توجهی هم به مسائل و مشکلات معیشتی و اقتصادی حال حاضر مردم ندارد. این در حالی است که دولت سیزدهم از زمانی که روی کار آمده است و واقعیت‌های عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی را درک کرده و از طرف دیگر با مشکلات جدی حوزه اقتصادی و معیشتی دست به گریبان است، می‌داند که باید نهایتاً برجام را احیا کند. بنابراین اگرچه جریان مخالف برجام همواره سعی کرده است ساز-ناکوک خود را بزند، اما شرایط کنونی قطعاً احیای برجام را برای دولت سیزدهم اجتناب‌ناپذیر می‌کند. به هر حال جمع‌بندی و تصمیم‌گیری نهایی در سطح سران سه قوه در شورای عالی امنیت ملی و نهایتاً با نظر مثبت رهبری است. بنابراین این جریان نمی‌تواند مانع جدی برای برجام باشد.

◆ **اما همین جریان خود را برای استیضاح و برکنار کردن حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه دولت رئیسی آماده کرده است.**
این نشان می‌دهد که توان آنها تا کجاست؟

مسئله‌ای به نام استیضاح و یا برکناری حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه مطرح نیست. چون همه چیز در حد یک تهدید و لفاظی سیاسی و رسانه‌ای است.



آنچه که برای جمهوری اسلامی ایران اولویت دارد منافع ملی است. اگر منافع ایجاد کند که برجام احیا شود این جریان ضدبرجامی که هیچ، بلکه هیچ حزب و گروه دیگری نمی‌تواند در برابر آن بایستد. در ضمن مسئله استیضاح وزیری کلیدی مانند وزارت امور خارجه چیزی نیست که بتوان توسط یک جریان، یک نماینده یا چند نماینده آن را پیگیری کرد. باید سیستم ما آن موافق باشد که من بسیار بعید می‌دانم چنین مسئله‌ای در دستور کار باشد. چراکه تغییر سکاندار سیاست خارجی در شرایط کنونی به نفع جمهوری اسلامی ایران نیست. از طرف دیگر به نظر من وزارت امور خارجه در حوزه خود و مأموریت‌هایی که به آن سپرده شده است کارنامه قابل قبول‌تری دارد.

◆ **به واقع چنین نظری دارید؟ آیا می‌توان از کارنامه وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده دفاع کرد؟**

بله. چون مسئله یک مسئله کاملاً نسبی است. چون اگر که بخواهیم کارنامه وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده را با دیگر اعضای کابینه و دیگر وزارتخانه‌های دولت سیزدهم مقایسه کنیم واقعا وزارت امور خارجه نمره قبولی را می‌گیرد. اگرچه مذاکره‌کنندگان نوعی ابهام را در مذاکرات دارند و از دادن اطلاعات و جزئیات برای تئوسیر افکار عمومی خودداری می‌کنند و انتقاداتی هم به برخی عملکردها وجود دارد که کاملاً طبیعی است، اما باید بپذیریم که وزارت امور خارجه واقعاً یک مسیر منطقی را برای مذاکرات در پیش گرفت و نسبت به برخی وزرا مانند وزیر نفت که در یک دیدار رسمی و تنظیم و امضای قرارداد با طرف ونزولایی شعار مرگ بر امریکا می‌دهد واقعاً باید از وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده دفاع کرد. چون برخی وزرا و وزارتخانه‌های بی‌ارتباط به سیاست خارجی مرتباً با توییت و شعار کار خود را پیش می‌برند بدون آنکه توانسته باشند در حوزه مأموریتی خود کارنامه قابل دفاع را پیش دهند. وزارت امور خارجه واقعا به نسبت این وزارتخانه‌ها و این دست وزرا که سعی کرده‌اند بدون شعار و با منطق دیپلماتیک وظایف خود را پیش ببرند به مراتب جلوتر است.

◆ **در راستای همان نگاه خوش‌بینانه‌تان به احیای برجام همواره از مذاکرات برای حصول هرچه زودتر توافق کامل دفاع کرده‌اید و برای شما فرقی بین حسن روحانی با سید ابراهیم رئیسی، حسین امیرعبداللهیان و محمدجواد ظریف، سید عباس عراقچی و باقری‌کنی و دیگران برای احیای برجام وجود نداشته است.**
این در حالی است که برخی از منتقدین عملکرد وزارت امور خارجه دولت رئیسی این باور را دارند که تیم مذاکره‌کننده فعلی فرصت‌سوزی کردند و عملاً توافقی را که می‌توانستیم ۱۶ ماه پیش به دست بیاوریم اجازه ندادند که دولت روحانی احیا کند. به باورناتر باید این انتقادات را نسبت به وزارت امور خارجه نادیده گرفت؟

همان‌گونه که به درستی اشاره کردید برای من اولویت منافع ملی است و فرقی هم نمی‌کند که برجام توسط روحانی شکل گرفته است یا رئیسی، کار ظریف بوده یا امیرعبداللهیان؛ کما اینکه برای من تفاوتی هم بین سید عباس عراقچی و باقری‌کنی وجود ندارد. آنچه که اهمیت دارد این است که مردم هرچه زودتر از این وضعیت سخت معیشتی خارج شوند. بنابراین باید مذاکرات توسه هر دولت، هر رئیس‌جمهور و هر وزیری سریع‌تر به نتیجه برسد. در ضمن پیرو آنچه که قبلاً گفتیم واقعا مذاکراتی در سطح مذاکرات هسته‌ای چیزی نیست که بتوان آن را به گردن کسی چون باقری‌کنی انداخت. او هم مانند آقای عراقچی یک دیپلمات و مذاکره‌کننده است و آن چیزی را که در تهران دستور داده می‌شود، در وین پیگیری می‌کند. در ضمن این مسائل و رقابت‌های سیاسی چیز چندان عجیبی نیست. در هر کشوری رقابت‌های سیاسی، حزبی، جناحی و گروهی وجود دارد. همچنانی‌که در آمریکا دولت دونالد ترامپ در تقابل با اوباما سعی کرد از برجام خاج شود تا توافق جدیدی ثبت کند که از این طریق بتواند برخی از دستاوردهای سیاست خارجی را به نامش بزند. به موازاتش دولت بایدن هم‌اکنون به برجام مسخیر را در دستور کار قرار داده است. اگرچه در داخل کشور ما چیزی به نام حزب وجود ندارد، اما به هر حال برخی جریان‌های سیاسی و گروه‌ها سعی دارند برای تأمین منافع خود هم که شده دستاوردهای بزرگ در حوزه سیاست خارجی مانند برجام را به نام خود بزنند.

◆ **از توافق حاصل شود این برجام همان برجام است؛ چون بسیاری معتقدند وقتی نمایندگان مجلس تأکید دارند در صورت حصول توافق نیازی به تصویب در مجلس نیست، نشان می‌دهد این برجام همان برجام سال ۲۰۱۵ است.**
آیا این‌گونه است؟

بله، من هم معتقدم این برجام همان برجام سال ۲۰۱۵ است. به همین دلیل نیازی به تصویب مجدد در مجلس یازدهم ندارد؛ کم‌اینکه اگر توافق حاصل شود، نیازی به تصویب در دیگر مجالس کشورهای عضو برجام به‌خصوص آمریکا نیست، هرچند توافق پیشین هم به تصویب ننگره نرسید. اما به‌رحال برجام سال ۲۰۱۵ قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را به دنبال دارد، اگر دولت رئیسی و حامیانش این ادعا را دارند که برجام جدیدی شکل گرفته است باید به تصویب شورای امنیت و صدور قطع‌نامه دیگر منجر شود و چون به نظر می‌رسد چنین مسئله‌ای در دستور کار باشد این همان برجام سابق است. در ضمن اختلافاتی که در مذاکرات وین وجود داشت درخصوص متن اصلی برجام نبود، بلکه اختلافاتی بود که در حاشیه‌اش آن وجود داشت. به همین دلیل به نظر من این برجام با اختلافاتی اندک همان توافق سال ۲۰۱۵ است؛ چون برجام قابلیت تغییر مبنايي ندارد.

ادامه‌ه از صفحه اول

کالبدشکافی روح ایرانی

مش‌قاسم، نماینده عوام در خدمت قدرت است، اما با همان زیرکی روستایی که می‌تواند منافع و اقتدار خویش را حین سرسپردگی به اشراف‌زادگان حفظ کند. اسدالله میرزا، نماینده روشنفکر غرب‌زده‌ای است که از سنت بریده و در فرهنگ غرب نیز جایی برای خود پیدا نکرده و آونگ‌وار در این دو تاریخ سرگردان است. اما جذایبت اسدالله میرزا به نهیلیستی است که با طنز و طنزهای همراه است. او لایه عمیق‌تر رمان را نمایندگی می‌کند؛ روشنفکر سرخورده از آرمان‌گرایی که همه چیز را به دیده تحقیر می‌نگرد، البته نه تحقیری از جنس تفرعن. تحقیر از جنس نهیلیست موجود در پس پشت شکست‌های آرمان‌خواهانه. ایرج پزشک‌زاد همچون یک پزشک به کالبدشکافی روح ایرانیان می‌پردازد و نقاط تاریک آن را با شوخ‌چشمی کشف و بیان می‌کند. او تاریخ و فرهنگ مردم این سرزمین را به خوبی می‌شناسد و با ظرافت دست روی نکاتی می‌گذارد که بین عقل و جهل سرگرداند؛ مفاهیمی که در دوره و زمانه خودش عقلانی بوده اما با دگرگونی‌های به‌وجودآمده در شرایط اجتماعی، این مفاهیم عقلانی دیگر عقلانی به نظر نمی‌رسند. از تضاد میان این دو وضعیت با دو مفهوم، طنز عمیقی سر برآورده که نقطه اوج آن را می‌توان در کشاکش دایی جان و دامادش (آقاجان) دید. دامادش، دست به هر ترفندی می‌زند تا مهمل بودن آرمان‌های خیالی دایی جان را برملاند. اگر برخورد داماد دایی جان را یک قطب ماجرا بگیریم، قطب دیگر آن مش‌قاسم، نماینده عوام است که در خاطرات تاریخی دایی جان مشارکت می‌کند و گاه در جعل این خاطرات از او پیشی می‌گیرد تا جایی که خشم دایی جان را هم برمی‌انگیزد؛ خشمی که زود به خاموشی می‌گراید چراکه خیال‌مش‌قاسم مقوم خیال‌ها و آرمان‌های بربادرفته اوست. درباره دانی جان ناپلئون بسیار می‌توان گفت اما متأسفانه در این یادداشت که بیشتر برای معرفی این اثر نوشته شده است، چنین امکانی وجود ندارد. کتاب دایی جان ناپلئون نوشته ایرج پزشک‌زاد فردا همراه روزنامه توزیع می‌شود.